



نیاز اقتصاد ایران

کارشناسان درباره وضعیت آب هشداری می دهند

چالش آب در تهران مصرف غیر متعارف

صفحه ۳

تحلیل چندوجهی افزایش سن ازدواج

از خانه پدری تا استقلال اقتصادی مسیر دشوار تشکیل خانواده

صفحه ۸

یادداشت - ۱

نعل وارونه!



حسین حقگو

این روزها موضوع حفظ ارزش «پول ملی» به موضوعی مهم در اخبار و تحلیل های اقتصادی تبدیل شده است. متأسفانه اما این موضوع مهم با بدخوانی های انجام شده نه فقط در خدمت تحقق هدف تصور شده یعنی پویایی اقتصادی و افزایش قدرت خرید جامعه نیست، بلکه در جهت خلاف این مسیر و به ایستایی و افزایش فقر و فلاکت جامعه می انجامد.

کارشناسان اقتصادی و جریان سیاسی و رسانه‌ای که در این روزها بیش از هر زمان دیگری (و شاید جهت تحریک حس ملی گرایی جامعه در فضای جنگی) به این موضوع پرداخته و آن را به سرخط خبرهای رسانه‌های تحت تسلط خود تبدیل کردند «حفظ ارزش پول ملی» را عمدتاً با تثبیت قیمت‌ها و مخالفت با بازار آزاد و نظام عرضه و تقاضا و در واقع اقتصاد دستوری معنا کرده و بر هر چه بیشتر کنترل‌ها و سرکوب‌های قیمتی و قطع ارتباط با اقتصاد جهانی تاکید می کنند.

چنانکه یکی از این رسانه‌ها اخیراً در تیترو یک خود چنین تحلیل کرد که «یکی از دلایل اصلی جهش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی، وابستگی به چرخه بین‌المللی دلار است که توسط امریکا مدیریت می‌شود.» (کیهان - ۱۴۰۴/۲/۱۲) یا کارشناس اقتصادی دیگری که عنوان داشت: «اقداماتی مثل خصوصی سازی، آزادسازی و آزادسازی ارزش ارز، زمینه سقوط پول ملی را تسهیل کرده است و...» (حسین راغفر - ایسنا - ۱۴۰۴/۱/۲۴)

چند دهه اخیر در اقتصاد کشورمان به‌رغم تمام شعارها و حتی بعضاً الزامات قانونی در برنامه‌های توسعه‌ای در مورد کاهش محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های تجاری (ماده ۲۳ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور) و کاهش سخت‌گیری‌های قیمت‌گذاری (ماده ۴۸ برنامه هفتم توسعه) حاکم بوده، بگیر و ببند و تعزیر و سرکوب قیمت‌ها بوده است.

چنانکه چند ماه پیش بود که موسسه فریزر در آخرین گزارش خود از «شاخص آزادی اقتصادی»، رتبه کشورمان را ۱۶۱ در بین ۱۶۵ کشور جهان و در قعر این جدول و در کنار کشورهای چاد، لیبی، سوریه و میانمار قرار داد. شاخصی که کشورها را بر اساس مولفه‌های اندازه دولت، پول قوی، قوانین و حقوق مالکیت و قوانین و مقررات سنجیده و رتبه‌بندی می کند.

اگر مقصود از حفظ ارزش پول ملی «کاهش تورم» است که جز این نمی تواند باشد، راهی جز کنترل نقدینگی از طریق انقباض مالی دولت و تناسب دخل و خرج آن و تراز مثبت تجاری و نیز کنترل انتظارات تورمی دست یافتنی نیست که این آخری یعنی «انتظارات تورمی» نیز از طریق کاهش تنش‌های خارجی و وضعیت جنگی فعلی و خاتمه دادن به تحریم‌ها یا گفتگوی جامع با اروپا و آمریکا و نیز خاتمه دادن به انحصار آنگان‌ها و نهادها و رانت‌خواری و مافیای اقتصادی از طریق شفافیت و یکسان سازی نرخ ارز و ... ممکن می شود.

ساختار و سازوکار اقتصاد سیاسی که در آن افراد و جریان‌هایی با نامی و دشمن تراشی خارجی و امنیتی کردن فضا و محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی و مجازای ... مانع از اصلاحات ساختاری سیاسی و اقتصادی شده و با محدودیت حقوق شهروندی و سرکوب‌های قیمتی و انحصارهای مالی و بنگاه‌های ... انتظارات تورمی را در جامعه تشدید می کنند و سبب تورم‌های تاریخی حدود ۶۰ درصدی ماه گذشته و بالاتر از آن در ماه‌های آتی (در صورت عدم چاره‌اندیشی عاجل) می شوند. «حفظ ارزش پول ملی» همان «کنترل تورم» است که جز از طریق «آزادی و رقابت اقتصادی» ممکن نیست، اما عده‌ای تحت عنوان حفظ و ارتقای ارزش پول ملی، «محدودیت و سرکوب قیمت‌ها» و «قطع ارتباط با بازار جهانی» را تجویز می کنند که جز به ایجاد فسادها و رانت‌های عظیم و شکل‌گیری گروه‌های مافیایی و تسخیر دولت و فقر بیشتر مردم نمی‌انجامد؛ عکس‌مارا می‌کنند و نعل وارونه می‌زنند تا رد خود را کم کنند! «تا نشان سم اسب کم کنند / ت رکمانا، نعل را وارونه ...!» (فانانی)

«تبادل» عوامل تاثیر گذار روی بازار سهام را بررسی می کند

چرا بورس توان رشد ندارد؟

بازار سهام ماه‌هاست در وضعیت اصلاحی فرسایشی گرفتار شده؛ شاخص ناوسان منفی دارند، ارزش معاملات در سطوح پایین تثبیت شده و سرمایه‌گذاران خرید تردیح می دهند به‌جای پذیرش ریسک سهام، نقدینگی خود را روانه بازارهای کم‌ریسک‌تری چون اوراق بدهی و صندوق‌های درآمد ثابت کنند. البته این روزها به واسطه افزایش ریسک‌های سیاسی بازی‌های بیشتری را متحمل می‌شود اما به‌طور کل وضعیت بازار وخیم است و در چنین شرایطی سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند که از



فرش ایرانی در تنگنای تحریم و بازار

سقوط از قله‌های نیم میلیارد دلاری

صفحه ۷

یادداشت - ۴

قطعی اینترنت و هزینه‌های اقتصاد دیجیتال می‌پردازد

شوک ناپایداری به شرکت‌های فناوری

اینترنت در ایران دیگر فقط یک ابزار ارتباطی نیست؛ به خط حیاتی اقتصاد دیجیتال تبدیل شده است. خطی که در سال‌های اخیر بارها قطع شده، بارها کند شده و بارها با عدم قطعیت مواجه شده است. از محدودیت‌های گسترده سال ۱۴۰۱ تا اختلالات اخیر دی‌ماه ۱۴۰۴، کسب‌وکارهای فناوری هر بار با شوک تازه‌ای روبرو شده‌اند؛ شوکی که حالا به گفته فعالان صنفی، در آمدبرخی شرکت‌ها تا ۵۰ درصد ... صفحه ۶ را بخوانید

معاون وزیر راه و شهرسازی خبر داد

راه آهن رشت - آستارا روی میز مذاکره ایران و روسیه

آن‌طور که معاون وزیر راه و شهرسازی خبر داد، مذاکرات انجام شده در خصوص راه آهن رشت - آستارا میان ایران و روسیه منجر به دستیابی به درک مشترکی از چارچوب همکاری، الزامات فنی و سازوکار اجرایی پروژه شده و مسیر رسیدن به قرارداد اجرایی را شفاف‌تر کرده است. به گزارش ایسنا، هوشنگ بازوند اخیراً در نشست مشترک با هیات روسی، با اشاره به مذاکرات انجام‌شده ... صفحه ۵ را بخوانید

یادداشت - ۴

اقتصاد

در گرو سیاست

بی‌ثباتی سیاسی در اقتصاد ایران صرفاً یک متغیر بیرونی نیست، بلکه به یکی از عوامل ساختاری اثرگذار بر رفتار عاملان اقتصادی تبدیل شده است. در اقتصاد که بخش قابل توجهی از آن به درآمدهای نفتی، سیاست‌های ارزی دولت و تعاملات بین‌المللی وابسته است، هر گونه تنش سیاسی، تغییر در مناسبات قدرت یا بهام در سیاست خارجی می‌تواند مستقیماً بازار ارز، تورم، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی منتقل شود. مساله اصلی این نیست که شوک سیاسی رخ می‌دهد، بلکه این است که انتظارات شکل گرفته پیرامون تداوم یا تشدید آن شوک چگونه رفتار مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران را تغییر می‌دهد.



علی عیسانی

یکی از نخستین کانال‌های انتقال بی‌ثباتی سیاسی به اقتصاد ایران، بازار ارز است. در شرایط نااطمینانی، تقاضای برای دارایی‌های امن افزایش می‌یابد و در ایران این دارایی امن غالباً از نرخ جاری یا پلاستیک افزایش مولد را از توجیه اقتصادی خارج می‌کند. نتیجه آن، به سطح تعادلی اقتصادی بالا می‌برد. این جهش ارزی، به دلیل وابستگی بالای تولید داخلی به واردات مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای، به سرعت به تورم منتقل می‌شود. در نتیجه، شوک سیاسی نه تنها سطح عمومی قیمت‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه از طریق کاهش قدرت خرید خانوارها، کود تقاضا را نیز تشدید می‌کند.

کانال دوم، سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری نااطمینانی از افق پیش‌بینی پذیر سودآوری است. زمانی که فعال اقتصادی نسبت به پایداری قوانین، سیاست‌های تجاری یا روابط خارجی اطمینان نداشته باشد، نرخ تنزیل ذهنی او افزایش می‌یابد. این افزایش نرخ تنزیل، ارزش فعلی پروژه‌های بلندمدت را کاهش می‌دهد و پروژه‌های مولد را از توجیه اقتصادی خارج می‌کند. نتیجه آن، کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و حرکت سرمایه به سمت فعالیت‌های کوتاه‌مدت و غیرمولد مانند معاملات دارایی است. در اقتصاد ایران، این تغییر ترکیب سرمایه‌گذاری به خوبی در رشد فعالیت‌های سفته‌بازانه در دوره‌های تنش سیاسی مشاهد شده است. سرمایه‌نیز به شدت به انتظارات سیاسی حساس است. فرو بنشاند. اما سوال کلیدی اینجاست: با وجود این همه مشکلات در هم تنیده، از کجا باید شروع کرد؟ پاسخ شاید ساده‌تر از تصور باشد؛ از بازسازی اعتماد، ثبات سیاستی و اصلاح ساختارهایی که مسیر نوآوری و رقابت را باز می‌کنند. تا زمانی که این گام‌ها برداشته نشود، چرخه معیوب تورم و ضعف بهره‌وری همچنان به گردش خود ادامه می‌دهد، چرخه‌ای که نه فقط به عده‌های اقتصاد، بلکه کیفیت زندگی میلیون‌ها ایرانی را تعیین می‌کند.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت - ۳

رشد بهره‌وری یا مهار تورم اولویت با کدام است؟

کنند، ولی میزان تولید کم می‌شود؛ یعنی همان تعداد کارگر، خروجی کمتر. این کاهش موقت در تولید، مستقیماً بهره‌وری نیروی کار را پایین می‌آورد. ۳ - تضعیف سرمایه‌گذاری بلندمدت: تورم آینده را مهیوم و غیرقابل پیش‌بینی می‌کند. در چنین فضای، هیچ شرکتی به پروژه‌های بزرگ و نوآورانه کوچک و نوآور اقتصاد بیشترین ضربه را بخورد، در گم می‌شود. بنگاه‌ها ترجیح می‌دهند در مسیرهای کوتاه‌مدت و کم‌ریسک حرکت کنند، و همین محافظه‌کاری یعنی توقف موتور رشد بهره‌وری. ۴ - فشار نااعادلانه بر بنگاه‌های کوچک: تورم برای همه یکسان عمل نمی‌کند. شرکت‌های بزرگ با دسترسی بیشتر به اعتبار بانکی، می‌توانند هزینه‌ها را به قیمت کالا منتقل کنند، اما بنگاه‌های کوچک چنین امکانی ندارند. این شکاف باعث می‌شود بخش کوچکی از تورم و ناویر اقتصاد بیشترین ضربه را بخورد، در حالی که بخش‌های غیرمولد دوام می‌آورند و این یعنی از بین رفتن چابکی تولید ملی. اما ریشه تورم و ضعف بهره‌وری فقط در سیاست‌های پولی نیست. مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، این دو مشکل را در هم تنیده کرده‌اند: ضعف نهادها، حکمیتی و حقوق مالکیت، یارانه‌های ناکارآمد و نظام قیمت‌گذاری دستوری، بازارهای سرمایه و کار غیرقانونی، کسری بودجه من و نوسانات ارزی شدید، و البته تحریم‌ها که هر بحران را تشدید می‌کنند. هر کدام از اینها به تنهایی می‌توانند اقتصاد را زمین گیر کنند، اما کنار هم تبدیل به یک چرخه خودتخریبی می‌شوند. در این چرخه، تورم باعث بی‌ثباتی می‌شود؛ بی‌ثباتی موجب کاهش سرمایه‌گذاری و افت بهره‌وری؛ افت بهره‌وری هزینه‌های تولید را بالا می‌برد؛ و در نهایت، هزینه بالا دوباره تورم را تشدید می‌کند. حاصل، یک دور باطل تمام‌عیار است که سال‌هاست اقتصاد ایران را در خود قفل کرده. راه بیرون رفت از این چرخه، مهار ظاهری تورم نیست، بلکه احیای موتور بهره‌وری است. همانطور که یکی از اقتصاددانان اشاره کرده، «رشد بهره‌وری، ابرقهرمان مهار تورم در بلندمدت است.» چون تنها ارتقای کارایی و نوآوری است که می‌تواند هزینه تولید را کاهش دهد، رشد اقتصادی ایجاد کند و تورم را به صورت پایدار فرو بنشاند. اما سوال کلیدی اینجاست: با وجود این همه مشکلات در هم تنیده، از کجا باید شروع کرد؟ پاسخ شاید ساده‌تر از تصور باشد؛ از بازسازی اعتماد، ثبات سیاستی و اصلاح ساختارهایی که مسیر نوآوری و رقابت را باز می‌کنند. تا زمانی که این گام‌ها برداشته نشود، چرخه معیوب تورم و ضعف بهره‌وری همچنان به گردش خود ادامه می‌دهد، چرخه‌ای که نه فقط به عده‌های اقتصاد، بلکه کیفیت زندگی میلیون‌ها ایرانی را تعیین می‌کند.



محمدرضا منجذب

بهره‌وری چیست و چه تاثیری در اقتصاد و معیشت ایرانیان دارد؟ در ظاهر، رشد بهره‌وری در بخش‌های اقتصادی است. گزارشی واقع‌نویس کارایی، نوآوری و رفاه جامعه را ضرورت دارد. ۱۵ درصد است. اما تورم ۴۰ درصد، شما در حال ضرر کردن هستید و ادامه مسیر یعنی از دست دادن فرصت‌های سودآورتر. پارادوکس بقا: ادامه یا بی‌پسوت؟ تعطیلی کسب‌وکار در سال ۱۴۰۵ همیشه به معنای شکست نیست؛ گاهی بهترین تصمیم برای حفظ سرمایه و انرژی است. اما در بسیاری از موارد، ادامه کسب‌وکار در سال ۱۴۰۵ با یک تغییر جهت هوشمندانه یا همان «بی‌پسوت» می‌تواند نتایج شگفت‌انگیزی ایجاد کند. بی‌پسوت یعنی تغییر مسیر بدون تغییر مقصد. چهار نوع بی‌پسوت در سال ۱۴۰۵ بیشترین بازده را دارند. ۱) بی‌پسوت مشتری: یعنی تغییر بازار هدف؛ مثلاً یک تولیدی پوشاک که فروش به مصرف‌کننده دارد، می‌تواند به سمت تولید لباس کار برای سازمان‌ها حرکت کند. ۲) بی‌پسوت کانال فروش: یعنی تعطیلی فروشگاه فیزیکی و تمرکز بر فروش آنلاین. ۳) بی‌پسوت مدل درآمدی: مانند تغییر از فروش یکباره به مدل اشتراکی که جریان نقدی پایدار ایجاد می‌کند. ۴) بی‌پسوت تکنولوژی: نیز با نوسازی خطوط تولید و استفاده از اتوماسیون، هزینه‌های ثابت را کاهش می‌دهد.

۱ - استراتژی خروج هوشمندانه: اگر پس از بررسی شاخص‌ها به این نتیجه رسیدید که تعطیلی کسب‌وکار در سال ۱۴۰۵ بهترین تصمیم است، باید این فرآیند را مرحله‌به‌مرحله انجام دهید. نخست، فروش دارایی‌های سهی مانند تجهیزات بلااستفاده و انبارهای اضافی برای آزادسازی نقدینگی. دوم، تسویه بدهی‌های ارزی که در آینده اقتصادی ایران ۱۴۰۵ مانند یک بمب ساعتی هستند. سوم، بازنگری قراردادهای بلندمدت و اصلاح یا فسخ قراردادهای بازده.

۲ - افست کوتاه‌مدت بهره‌وری نیروی کار: خروج مرحله‌ای و تدریجی که ریسک‌رکاهش می‌دهد و امکان بازگشت دوباره را باز نگه می‌دارد. در نهایت، تصمیم‌گیری برای بقا در سال ۱۴۰۵ نیازمند تحلیل داده‌ها، شناخت هزینه فرصت و شجاعت در انتخاب است. گاهی ماندن و جنگیدن و گاهی خارج شدن برای بازسازی، هر دو می‌توانند انتخاب‌های هوشمندانه‌ای باشند. آنچه اهمیت دارد، تصمیم‌گیری آگاهانه و مبتنی بر واقعیت‌های کسب‌وکار شماست.

۳ - پیوستن به یک شرکت تجاری: اگر توان پرداخت حقوق متناسب با تورم را ندارید، ادامه کسب‌وکار در سال ۱۴۰۵ به معنای از دست دادن تیم و مشتریان است. ۴ - چهارم) فشارهای قانونی و مالیاتی است که در سال ۱۴۰۵ به شدت افزایش یافته‌اند. ۵ - پنجم) کاهش حاشیه سود و کالایی شدن محصول: وقتی محصول شما به یک کالای قابل مقایسه تبدیل می‌شود، تنها معیار رقابت قیمت است و اگر هر افزایش قیمت باعث ریزش مشتری شود، ادامه

یادداشت - ۲

دورنمای کسب‌وکار در سال ۱۴۰۵ چرا باید ادامه داد؟

در سال‌های اخیر، تصمیم‌گیری درباره آینده کسب‌وکار به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های مدیران ایرانی تبدیل شده است. اما در آستانه سال ۱۴۰۵، این تصمیم ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است. تعطیلی کسب‌وکار در سال ۱۴۰۵ دیگر یک تالو یا نشانه شکست محسوب نمی‌شود، بلکه برای بسیاری از مدیران، یک تصمیم استراتژیک برای حفظ سرمایه، جلوگیری از فرسایش دارایی‌ها و انتخاب مسیرهای سودآورتر است. در شرایطی که آینده اقتصادی ایران ۱۴۰۵ با ابهام، فشارهای مالیاتی، ناترازی انرژی و کاهش قدرت خرید گره خورده، مدیران باید با دقت و بر اساس داده‌های واقعی درباره ادامه مسیر تصمیم بگیرند. چرا تعطیلی به یک گزینه استراتژیک تبدیل شده است؟ تعطیلی کسب‌وکارها در سال ۱۴۰۵ نتیجه یک بحران ناگهانی نیست، بلکه حاصل انباشت ریسک‌های سیستماتیک است که سال‌ها انتخاب بین ادامه یا تعطیلی، باید و شاخص کلیدی را بررس کنید.



پوری یازدانی

نخست) واگرایی رشد بازار و کسب‌وکار است. اگر بازار در حال رشد است، اما کسب‌وکار شما ثابت یا نزولی است، این یک هشدار جدی محسوب می‌شود. دوم) بحران نقدینگی: اگر جریان نقدینگی شما برای سه دوره متوالی منفی باشد، تعطیلی کسب‌وکار در سال ۱۴۰۵ ضروری می‌شود. در شرایط تورمی، سود حسابداری ارزشی ندارد و تنها معیار واقعی، جریان نقدی است.

ریزش استعدادهای و کاهش وفاداری مشتریان است. اگر توان پرداخت حقوق متناسب با تورم را ندارید، ادامه کسب‌وکار در سال ۱۴۰۵ به معنای از دست دادن تیم و مشتریان است. چهارم) فشارهای قانونی و مالیاتی است که در سال ۱۴۰۵ به شدت افزایش یافته‌اند. پنجم) کاهش حاشیه سود و کالایی شدن محصول: وقتی محصول شما به یک کالای قابل مقایسه تبدیل می‌شود، تنها معیار رقابت قیمت است و اگر هر افزایش قیمت باعث ریزش مشتری شود، ادامه

بررسی شاخص‌ها به این نتیجه رسیدید که تعطیلی کسب‌وکار در سال ۱۴۰۵ بهترین تصمیم است، باید این فرآیند را مرحله‌به‌مرحله انجام دهید. نخست، فروش دارایی‌های سهی مانند تجهیزات بلااستفاده و انبارهای اضافی برای آزادسازی نقدینگی. دوم، تسویه بدهی‌های ارزی که در آینده اقتصادی ایران ۱۴۰۵ مانند یک بمب ساعتی هستند. سوم، بازنگری قراردادهای بلندمدت و اصلاح یا فسخ قراردادهای بازده.

۲ - افست کوتاه‌مدت بهره‌وری نیروی کار: خروج مرحله‌ای و تدریجی که ریسک‌رکاهش می‌دهد و امکان بازگشت دوباره را باز نگه می‌دارد. در نهایت، تصمیم‌گیری برای بقا در سال ۱۴۰۵ نیازمند تحلیل داده‌ها، شناخت هزینه فرصت و شجاعت در انتخاب است. گاهی ماندن و جنگیدن و گاهی خارج شدن برای بازسازی، هر دو می‌توانند انتخاب‌های هوشمندانه‌ای باشند. آنچه اهمیت دارد، تصمیم‌گیری آگاهانه و مبتنی بر واقعیت‌های کسب‌وکار شماست.

۳ - پیوستن به یک شرکت تجاری: اگر توان پرداخت حقوق متناسب با تورم را ندارید، ادامه کسب‌وکار در سال ۱۴۰۵ به معنای از دست دادن تیم و مشتریان است. ۴ - چهارم) فشارهای قانونی و مالیاتی است که در سال ۱۴۰۵ به شدت افزایش یافته‌اند. ۵ - پنجم) کاهش حاشیه سود و کالایی شدن محصول: وقتی محصول شما به یک کالای قابل مقایسه تبدیل می‌شود، تنها معیار رقابت قیمت است و اگر هر افزایش قیمت باعث ریزش مشتری شود، ادامه